

چپ و سوسیالیسم در دوره پسا جنگ سرد

حمید تقوایی

صفحه ۲

بیکاری یک فاجعه عظیم اجتماعی

شهلا دانشفر

صفحه ۳

انقلاب اکتبر، تعابیر و واقعیت ها

علی جوادی

صفحه ۴

جهان به انقلاب اکتبر دیگری نیاز دارد!

در صدمین سالگرد انقلاب اکتبر

محسن ابراهیمی

صفحه ۷

سهیل عربی به اتهام توهین به مقدسات اسلامی از آبان سال ۱۳۹۲ دستگیر و تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار گرفته است. این ویلاک نویس خطاب به همسر و دخترش می گوید: "روزی فرا میرسد که قضات و بازجوهای خود فروخته محاکمه میشوند". او در حال حاضر در اعتصاب غذا بسر می برد و در وضعیت خطرناکی قرار دارد. سهیل با ارسال نامه جدیدی اعلام کرده است که بطور موقت به اعتصاب غذای خود پایان خواهد داد. او گفته است که يك مهلت يك هفته ای به نمایندگان سپاه پاسداران داده تا به خواسته های رسیدگی شود و در غیر اینصورت مجددا دست به اعتصاب غذای خشک و تر خواهد زد. فعالیت های گسترده ای برای نجات جان سهیل عربی انجام گرفته که همچنین در جریان است. در این رابطه با هرمز رها مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام گفتگو می کنیم.

قضات و بازجوهای خود فروخته محاکمه میشوند!

گفتگو با هرمز رها مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام

صفحه ۷

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

در گذشت طالبانی: برای چه باید متأسف بود؟

حمید تقوایی

صفحه ۹

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۳۲

جمعه ۱۴ مهر ۱۳۹۶، ۶ اکتبر ۲۰۱۷



محمد جراحی چهره محبوب جنبش کارگری درگذشت

با کمال تأسف و تأثر محمد جراحی چهره شناخته شده جنبش کارگری و کادر حزب کمونیست کارگری ایران پس از ۳۰ سال تلاش بی وقفه در دفاع از طبقه کارگر و در راه آرمان رهایی بخش کمونیسم و پس از چندین ماه دست و پنجه نرم کردن با سرطان امروز ۱۳ مهر در بیمارستان تجریش در تهران درگذشت.

محمد جراحی را بطور واقعی جمهوری اسلامی به قتل رساند. محمد جراحی همراه یار دیرینه اش شاهرخ زمانی در خرداد سال ۱۳۹۰ به جرم دفاع از حقوق کارگران دستگیر شد، در زندان تبریز مورد ضرب و شتم شدیدی قرار گرفت و در یکی از بیدادگاه های حکومت اسلامی به پنج سال زندان محکوم شد. در مرداد ۹۵ پس از گذراندن دوره محکومیت و در حالیکه در زندان به بیماری های سرطان تیروئید، دیابت و چربی خون مبتلا شده بود از زندان آزاد شد. شکنجه گران جمهوری اسلامی در طول زندان مانع معالجات او شدند، او را بارها از داروهای حیاتی اش و از معالجه در بیرون زندان محروم کردند. معالجات او پس از آزادی از زندان بدلیل پیشرفت بیماری در شرایط غیر انسانی زندان جمهوری اسلامی، موثر واقع نشد و امروز ۱۳ مهر در سن ۵۸ سالگی در بیمارستان تجریش در تهران درگذشت. او و شاهرخ زمانی هر دو عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری بودند و هر دو قربانی جنایتکاری جمهوری اسلامی شدند.

محمد جراحی يك کارگر رزمنده، حق طلب، کمونیست و آزادیخواه بود و در طول زندان نیز امیدوار به پیروزی کارگران و مردم برای سرنگونی حکومت نحس اسلامی و برای آزادی و سوسیالیسم، به مبارزه خود ادامه داد. مرگ او ضایعه بزرگی برای جنبش کارگری و کمونیستی و برای مبارزه آزادیخواهانه مردم ایران در راه شکل دادن به جامعه ای انسانی، آزاد و برابر است.

حزب کمونیست کارگری درگذشت محمد جراحی عزیز را به فرزندان و دوستانش و به طبقه کارگر و مردم ایران صمیمانه تسلیت میگوید.

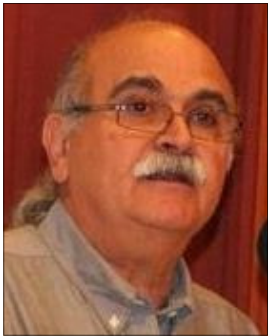
دریغ که عمر محمد جراحی کوتاه بود، یاد او اما برای کارگران و مردم آزادیخواه همیشه زنده و گرامی خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مهر ۱۳۹۶، ۵ اکتبر ۲۰۱۷

چپ و سوسیالیسم در دوره پسا جنگ سرد

حمید تقوایی



انترناسیونال می پرسد:

در پی سقوط شوروی در سال ۱۹۸۹، جهان شاهد يك موج عظیم و گسترده تبلیغاتی علیه کمونیسم و سوسیالیسم بود. سقوط شوروی را پایان تاریخ و پیروزی بازار و دموکراسی بر سوسیالیسم نام نهادند. بدنبال این تحول دور تازه ای از جنگها، بحران های اقتصادی، فقر گسترده، رشد قوم گرایی و نژاد پرستی در دنیا آغاز شد. هلهله و شادی پیروزی بازار و دموکراسی بر کمونیسم به سرعت فرو نشست و روی آوری به سوسیالیسم و فروش گسترده کتابهای مانیفست و کاپیتال مجدداً به يك ترند بدل شد. مارکس در نظر سنجی يك موسسه دست راستی نظیر بی بی سی بعنوان متفکر هزاره در صدر قرار میگیرد. بعدتر در انتخابات سال گذشته در آمریکا ساندرز با تاکید بر سوسیالیسم به محبوبیت کم نظیری در میان سیاستمداران آمریکا دست یافت. در نظر سنجی اخیر فاکس نیوز- که يك موسسه دست راستی است- ساندرز محبوبترین شخصیت سیاسی آمریکا شناخته شده است. در انگلیس جرمی کوربین از جناح چپ لیبر با تاکید بر سوسیالیسم به چهره ای محبوب بدل گشت و به راس این حزب پرتاب شد، که این خود باعث روی آوری وسیع به حزب لیبر شد. در جنوب اروپا و در کشورهای یونان و اسپانیا هم، جنبش های گسترده توده ای با تمایلات و سمت و سوی سوسیالیستی و چپ در سالهای گذشته بمیدان آمده اند.

نظر شما در مورد این تحولات چیست و آنرا چگونه تبيين میکنید؟ این تحولات با کمونیسم کارگری و سوسیالیسمی که حزب نمایندگی میکند چه رابطه ای دارد؟ آیا میتوان گفت که دوره تازه ای برای توده گیر شدن آرمانهای سوسیالیستی و رشد جنبش کمونیسم کارگری آغاز شده است؟

حمید تقوایی: وضعیت و شرایطی که توضیح دادید نشانه شکل گرفتن و سر بلند کردن يك

جنبش و حرکت آتی کاپیتالیستی از يك موضع چپ و رادیکال است. این حرکت تنها به کشورهای غربی محدود نمیشود. به نظر من انقلاباتی که به بهار عرب معروف شد جنبه دیگری از همین چالش رادیکال وضع موجود را نشان میدهد. ما این جنبش را در ادبیات حزبی چپ اجتماعی مینامیم. این جنبش با شعار نود و نه درصدی ها در برابر يك درصدیها که در جنبش اشغال مطرح شد و هم چنین شعار نان، آزادی، کرامت انسانی در انقلاب مصر نمایندگی میشود.

علل و زمینه شکلگیری چپ اجتماعی شرایط بعد از فروپاشی شوروی است. پایان جنگ سرد و خاتمه یافتن تقابل میان دو بلوک سرمایه داری دولتی کمپ شوروی و سرمایه داری بازار آزاد غرب، که بخش عمده تحولات قرن بیستم را تحت تاثیر قرار داده بود، در سطح جهانی شرایط سیاسی کاملاً تازه ای را بوجود آورد.

از یکسو نظام سرمایه داری و توحش اقتصاد بازار آزاد بر همه جهان مسلط شد و عریان و بیواسطه رودرو کارگران و توده مرم جهان قرار گرفت. کمپ غرب، که در دوره جنگ سرد تحت عنوان مقابله با کمپ شوروی و دفاع از دموکراسی و غیره توجیه میشد، زمینه و موضوعیت خود را تماماً از دست داد و بر همه معلوم شد که سرمایه داری "پیروز" در جنگ سرد بجز فقر و فلاکت و ریاضت کشی اقتصادی و بجلوراندن انتجاعی ترین و هارترین نیروهای قومی- مذهبی و جنگ و خانه خرابی در چهار گوشه جهان حاصلی ندارد. مطرح شدن سوسیالیسم و محبوبیت نیروها و چهره های مدعی سوسیالیسم حتی در انتخاباتهای کشورهای غربی يك نتیجه این شرایط است. بخصوص محبوبیت ساندرز در آمریکا، یعنی جامعه ای که سنتاً دفاع از سوسیالیسم به يك تابو تبدیل شده بود و ادعای سوسیالیسم در انتخاباتها نوعی خودکشی سیاسی محسوب می شد، امری بیسابقه و

گویای چرخش افکار عمومی به چپ در جوامع غربی است. ازسوی دیگر فروپاشی کمپ شرق که خود را کمونیست مینامید و به "سوسیالیسم موجود" معروف شده بود، شرایط را برای سر بلند کردن کمونیسم واقعی، کمونیسم کارگری مارکس، و نقد و چالش کمونیستی سرمایه داری پسا جنگ سرد فراهم کرد. جنبشهای طبقاتی دیگر ظاهر و لباس عاریتی کمونیسم را کنار گذاشتند و میدان را برای بجالش کشیده شدن مستقیم و نقد ریشه ای نظام سرمایه داری خالی کردند.

در يك سطح پایه ای زمینه اجتماعی - اقتصادی وضعیت حاضر بحران همه جانبه سرمایه داری عصر ما است. مبنای اقتصادی فروپاشی شوروی در تحلیل نهایی بحران سرمایه داری دولتی در پوشش سوسیالیسم بود و بعد از فروپاشی شوروی بحران مزمنی که از اوایل دهه هفتاد در کمپ سرمایه داری بازار آزاد بروز پیدا کرده بود نیز برتاب عمیق تر و شدید تر شد. سقوط وال استریت در زمستان ۲۰۰۸ نقطه اوج این بحران بود. (یکی از تاثیرات بحران ۲۰۰۸ روی آوری روشنفکران و صاحب نظران اقتصادی غرب، از چپ و راست، به مارکس و نظرات او در مورد بحران سرمایه و سرمایه های تخیلی در جلد سوم کاپیتال بود).

ابعاد این بحران از شرایط اقتصادی فراتر میرود. بی اعتباری مکاتب اقتصادی بورژوازی نظیر مکتب شیکاگو و فریدمنیسم، که ستون فقرات نئولیبرالیسم و نشو و کنسرواتریسم در غرب و سیاست ریاضت کشی اقتصادی در سراسر جهان بود، و ورشکستگی پست مدرنیسم و نظریه جوامع موزائیکی که سر بلند کردن هارترین جریانات و دولتهای قومی و مذهبی در دوره پسا جنگ سرد کنه و ماهیت بغایت ارتجاعی و ضد انسانی آنرا برملا میکرد، همه بیانگر بی افقی و ورشکستگی نظری- ایدئولوژیک سرمایه داری جهانی است. در سطح

سیاسی این شرایط بی اعتباری احزاب سنتی و حکومتی بورژوازی و رویگردانی وسیع مردم حتی در پیشرفته ترین جوامع غربی از سیستم حکومتی و وضعیت موجود را بدنبال داشت.

مطرح شدن گفتمان سوسیالیسم و شکل گیری چپ اجتماعی و جنبش های توده ای که در اولین دهه های قرن حاضر در غرب و شرق شاهد آن هستیم در تحلیل نهایی حاصل و برآیند این تغییرات اساسی در شرایط سیاسی جهان است.

در مورد بخش دوم سؤال شما، یعنی رابطه کمونیسم کارگری و چپ اجتماعی قبل از هر چیز باید بگویم که ما اصطلاح چپ اجتماعی را در تمایز از چپ متشکل و احزاب کمونیستی بکار میبریم. چپ متحزب سیر تحول دیگری را از سر گذراند. اولین پیامد فروپاشی شوروی ورشکستگی احزاب کمونیست روسی و سردرگمی و بی افقی دیگر نیروهای سنتی چپ بود. این احزاب که اساساً از جنبشهای ضد فئودالی، ضد استعماری و ضد امپریالیستی و جنبشهای ناسیونالیستی صنعت گرا و استقلال طلب در جوامع جهان سومی در قرن بیستم سر برآورده بودند، با پایان جنگ سرد پوشش کمونیسم را کنار گذاشتند، یا کاملاً از صحنه بیرون رفتند و یا به اصل خود بازگشتند و پرچم دموکراسی و بازار آزاد و غیره را بلند کردند. حاشیه ای ترین و بی ربط ترین احزاب به تحولات امروز و بویژه به چپ اجتماعی و جنبشهای رادیکالی که در قرن حاضر شاهد بوده ایم، همین احزاب هستند.

در نقطه مقابل این چپ غیر کارگری، حزب کمونیست کارگری قرار دارد که مقارن با فروپاشی شوروی تشکیل شد و در واقع پاسخ طبقه کارگر بود به سرمایه داری

مسلط بر جهان پسا جنگ سرد. به نظر من چپ اجتماعی که در دو دهه اخیر شکل گرفته است نشاندهنده شرایط و زمینه اجتماعی مساعد برای شکل گیری و کسب نفوذ جنبش و احزاب کمونیسم کارگری در همه کشورها است.

چپ اجتماعی هنوز حزبیت نیافته است اما حزبیت یافتن نیروهای چپ اجتماعی صرفاً يك امر سازمانی و تنهابه معنی متشکل شدن و سازمان یافتن آنان نیست بلکه فراتر از آن مستلزم دست به ریشه بردن و نقد رادیکال سرمایه و استثمار و کار مزدی است. بجالش کشیدن کل حاکمیت سرمایه داری، مبارزه برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه سرمایه دار و خواست و هدف تصرف قدرت سیاسی پیش شرط حزبیت کمونیستی است و چپ اجتماعی هنوز در آغاز این راه است. اما يك چیز از هم اکنون روشن است: کمونیسم کارگری آرمان و آمال و خواستهای انسانی توده های مردم و نود و نه درصدیهای را نمایندگی میکند که در جنبشهای توده ای در دوران بعد از جنگ سرد، از انقلابات بهار عربی تا جنبش اشغال و تا خیزش میلیونی سال ۸۸ در ایران بمیدان آمدند و حضور اجتماعی خود را به نمایش گذاشتند.

به این معنی جواب من به بخش آخر سؤال شما نیز مثبت است. شرایط جهانی برای توده گیر شدن آرمانهای سوسیالیستی و رشد جنبش کمونیسم کارگری از هر زمان دیگری بیشتر فراهم است.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

بیکاری یک فاجعه عظیم اجتماعی

شهلا دانشفر



رسیده است که کارزارهای مبارزاتی ای در حمایت از آنان به راه افتاده و اخبارش به سرتیتر مهم خبرها تبدیل شده است.

و بالاخره به عنوان يك بخش مهم از جمعیت بیکاران، به حساب نیامدن نیروی عظیم زنان خانه دار است. چرا که بر طبق قوانین ارتجاعی اسلامی خانه نشینی زن و شوهرداری و بچه داری وظیفه "دینی" زن است. اما نیاز جامعه و فشار جنبش رهایی زن، باعث شده که این جانیان در آمارهایشان بخش زنانی که متقاضی کار شده اند، از جمله زنانی که تحصیلات خود را تمام کرده و می‌خواهند وارد بازار کار شوند و شمارشان نیز بالاست، ناگزیر وارد محاسباتشان شده است. و از رکورد دار بودن بیشترین نرخ بیکاری در میان زنان، طی ۲۰ سال اخیر سخن می‌گویند.

مهمتر اینکه خبرها از ادامه وضعیت فاجعه بار بیکاری جوانان، زنان و کل جامعه حکایت دارد. از جمله بنابر گزارشات دولتی در حال حاضر سالانه حدود ۸۰۰ هزار نفر فارغ‌التحصیل وارد بازار کار می‌شوند که نزدیک به نیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهها بیکار هستند. به این تعداد باید متقاضیان کار بدون تحصیلات دانشگاهی را نیز باید اضافه کرد. این درحالیست که در بهترین حالت کمتر از نیمی از این جمعیت جذب بازار کار میشوند و باقی به خیل عظیم بیکاری اضافه میشوند. گفته وزیر کشور مبنی بر بیکاری ۶۰ درصدی در بعضی از شهرها، اشاره به همین وضعیت دارد.

خصوصاً در شرایطی که اقتصاد جمهوری اسلامی به مرز فلج شدن رسیده است، هر روز کارخانجات بیشتری به تعطیلی کشیده شده و کارگران بسیاری از کار بیکار شده و بر شمار جمعیت بیکار کشور اضافه میشود. این آمارها تکانه‌دهنده است و محرومیت جمعیت عظیم بیکاران از يك بیمه بیکاری مکفی و بیمه های اجتماعی دیگر چون درمان رایگان،

مرکز آمار وزارت کار گفته بود بر اساس معیارهای سازمان بین‌المللی کار (آی‌ال‌او) وضعیت بیکاری در ایران در نقطه بحرانی قرار دارد. از سوی دیگر در ۲۳ اسفند ۹۵ امیدعلی پارسا، رئیس مرکز آمار ایران، نیمی از جمعیت فعال ایران در فاصله سالهای ۹۰ تا ۹۵ را بیکار اعلام کرده بود. همچنین به گزارش خبرگزاری مهر به جمعیت ۶۰۰ هزار نفری متقاضی کار در دهه ۸۰ اکنون حدود ۹۰۰ هزار تن افزوده شده است.

در آمارهایی از همین دست در گزارشی در اوائل سال ۹۵ از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس تعداد بیکاران کشور ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر اعلام شده است. بگذریم که در آمارهای مربوط به نرخ بیکاری، کودکان کار جزو جمعیت شاغل محسوب میشوند. چون در جامعه ایران کار کودکان، مجاز و قانونی است و در همین آمار سن اشتغال را از ۱۵ سال محاسبه کرده اند. در حالیکه سن ۱۵ تا ۱۸ سال هنوز بطور واقعی سن کار نیست و چنین افرادی باید از امکاناتی چون تحصیل رایگان و یک زندگی آسوده و امن برخوردار باشند. به علاوه در این آمارها اشتغال ناقص حتی اگر يك نفر فقط يك ساعت در هفته کار کرده باشد، در شمار جمعیت شاغل کشور به حساب آمده است. همچنین کارگران فصلی که فقط نیمی از سال آنها را حداقل دستمزد و چند بار زیر خط فقر به کار اشتغال دارند، جایی در محاسبات نرخ بیکاری ندارند و به لحاظ تامین زندگی در آن مدت از سال که کاری ندارند، بشدت در مضيقه بسر می‌برند. ضمن اینکه بخش دیگری از همین جمعیت عظیم بیکاران ناگزیر به کارهایی چون دستفروشی، کولبری در مرزها روی آورده اند که این نیروها نه لیست آمار بیکاری قرار دارند و نه امنیتی برای تداوم کارشان وجود دارد. بلکه به عکس همواره با حمله نیروهای سرکوب شهرداری و باج بگیران مرزی روبرویند و ابعاد جنایت در برخورد به آنها به جایی

حکومتیان، نگاهی به چیزی که جمهوری اسلامی به آن "بیمه بیکاری" می‌گوید و خواستهای کارگران از جمله نکات و مهم تاکیدات این بحث است.

ابعاد فاجعه بار بیکاری، از زبان خود حکومتیان

آمار بیکاری پیداد میکند و این آمارها فقط ارقام نیستند. ربیعی وزیر کار دولت روحانی طی سخنانی در بیست و هفتم شهریور ماه جاری با ذکر این که بیکاری در ایران به رقم ۴/۳ میلیون نفر رسیده، اذعان کرد که اقتصاد ایران «کشش و ظرفیت حل این معضل را ندارد و هر روز به صف بیکاران اضافه میشود. او با این آمار دادن ها بار دیگر بر روی مساله "اتصال به جامعه بین الملل و بازارهای جهانی" که همان سیاستهای برجام بی فرجام و شکست خورده شان است، تاکید گذاشت. سیاستی که يك جزء مهم آن ارزان سازی نیروی کار و کشیدن کار برده وار از گرده کارگران است. به امید اینکه به قول خودشان سرمایه گذاران داخلی و خارجی را جذب کنند و حتی برای صباحی هم که شده، برای خود فرجی پیدا کنند. ربیعی در این سخنان، و در دل جنگ و جدالشان با باندهای رقیب حکومتی، هشدار میدهد که اقتصاد جمهوری اسلامی توان تولید سالانه ۴/۱ میلیون شغل را ندارد و «در عرضه و تقاضا بیکاری و اشتغال با مشکل» مواجه شده ایم. او اعلام میکند که در تقاضا برای اشتغال در ایران، سالها رشد منفی داشتیم و ۶۰ درصد کسری رشد داشتیم که مشکلات زیاد شد.

به گفته ربیعی در "رشد کلاسیک" در ایران، فقط ظرفیت ۴۰۰ هزار شغل هست که میشود با سیاست "اشتغال" که يك نمونه اش همان طرح بیکاری "کارورزی" است، این رقم را نهایتاً به ۶۰۰ هزار برسد. طبعاً معنای واقعی "رشد کلاسیک" ادامه همین بحران و همین بن بست است که در آن گیر کرده اند. قیلا هم نعمت‌الله میرفلاح نصیری، رئیس

بحث بر سر نرخ بیکاری در کنار بسیاری از مسائل دیگر به يك موضوع اختلاف در میان حکومتیان تبدیل شده است. دلایل نیز به سادگی اینست که از این لشکر عظیم بیکاری و به میدان آمدن آنها برای حق و حقوقشان وحشت دارند. از جمله اخیراً علیرضا رحمانی وزیر کشور در مصاحبه ای در نهم مهرماه از افزایش نرخ بیکاری در برخی شهرها به ۶۰ درصد سخن می‌گوید. او همچنین با گفتن اینکه رقم بیکاری در میان تحصیلکرده‌گان بسیار بالاتر از آنچه است که به طور متوسط اعلام میشود، بر ضرورت برگزاری جلسه ای با رهبران خامنه ای، برای بررسی "آسیب های اجتماعی" تاکید میکند.

در عکس العمل به این گفته روز ۱۲ مهر نوبخت سراسیمه گفته های علیرضا رحمانی را تکنیک کرده و با ادعای اینکه نرخ بیکاری در تابستان امسال کاهش یافته است، مرکز آمار را مرجع رسمی اعلام آمار بیکاری خواند. اما جالب اینجاست که بنا بر اطلاعات مرکز آمار ایران، نرخ "بیکاری کل" نسبت به سال گذشته دو دهم درصد افزایش یافته است. اگر چه این آمارها ربط مستقیمی به میزان واقعی بیکاری و ابعاد فاجعه بارش در جامعه ندارد. اگرچه این آمارها از یکسو کاربردی برای نزاعهای درون حکومتی دارد تا با توسل به آنها، شکستشگان را به سر یکدیگر بکوبند و از سویی دیگر تلاشی برای زیر فرش کردن حقیقت واقعی و تکانه‌دهنده بیکاری در جامعه است، تا مبادا جمعیت عظیم میلیونی بیکار کشور مدعی تر شود و حق و حقوقش را طلب کند. اما همین ضد و نقیض گویی هایشان و اینکه سخنگوی دولت، سخن وزیر کشور، و وزیر کار سخن مقام دیگر را تکنیک میکنند، نشانی بارز از هراس حکومتیان است. همچنین این مباحث جایگاه مهم معضل بیکاری را مقابل چشم ما می‌گذارد. نگاهی به آمار تکانه‌دهنده بیکاری حتی از زبان خود

تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن مساله بیکاری را به يك فاجعه بزرگ اجتماعی تبدیل کرده و دامن بسیاری از خانواده ها را گرفته است.

به عبارت روشنتر، آمار بیکاری در ایران، فقط ارقام نیستند. داستان زندگی میلیونها زن و مرد و کودک و پیرو جوان و ابعاد فاجعه بار بیکاری در جامعه است. در این آمارها سخن از جوانانی است که با امید فراوانی از تحصیل فارغ شده و وارد باز کار میشوند و برای آنان کاری وجود ندارند. يك سونامی عظیم اجتماعی که جوانان بسیاری را به کام اعتیاد کشانده است. خانواده های بسیاری را متلاشی کرده و کودکان زیادی را از چرخه تحصیل خارج کرده و به جمعیت میلیونی کودکان کار و خیابان اضافه کرده است. این آمارها بعلاوه بیانگر فشار اقتصادی سنگین بر گرده زنان و کل جامعه در حاکمیت رژیم اسلامی در ایران است.

از همین رو به معضل بیکاری در جامعه باید به عنوان يك درد فراگیر اجتماعی نگاه کرد و نیروی اعتراضی آن نیز ابعادی اجتماعی و میلیونی دارد. از همین رو پاسخ بیکاری میلیونی در جامعه و افزایش هر روزه شمار آن، جنبشی سراسری علیه بیکاری است.

"بیمه بیکاری" جمهوری اسلامی، خواستهای کارگران

به گزارش مدیر کل امور فنی بیمه شدگان سازمان "تامین اجتماعی" در چهارم مهر ماه جاری این سازمان در حال حاضر فقط به ۲۱۲ هزار نفر بیمه بیکاری پرداخت می کند. حال با توجه به بیکاری میلیونی در جامعه، اعلام اینکه فقط ۲۱۲ هزار نفر مشمول بیمه بیکاری جمهوری اسلامی شده اند، به معنای محرومیت جمعیت

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number: 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code: BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
branch: Wood Green, Bank: NatWest
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779
BIC: NWBK GB 2L

سوالاتی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل کلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

اتحاد علیه فاجعه عظیم بیکاری

بیکاری يك درد اجتماعی است و در تقابل با این پدیده بزرگ اجتماعی که آمارش در ایران میلیونی است، باید جنبشی با همین ابعاد به راه انداخت. جنبشی که همه بیکاران و خانواده هایشان، کارگرانی که از کار بیکار میشوند و خانواده هایشان را در بر بگیرد و برای آن باید کل جامعه را بسیج کرد. مبارزه علیه بیکاری يك رکن مهم مبارزه علیه فقر و فلاکت در جامعه است.

در این جنبش، بطور واقعی جوانان و خصوصا زنان جوان نیروی اصلی اش را تشکیل میدهند. و انتظار است که پیشتاز این حرکت باشند. با تشکیل ان جی او ها و کانونهای علیه بیکاری میتوان این نیروی عظیم معترض اجتماعی را سازمان داد و به حرکت درآورد. میتوان در مدیای اجتماعی و تشکیل گروه های ویژه علیه بیکاری و به راه انداختن گفتمان بر سر این موضوع و خواستهای فوری خود نیرو جمع کرد و اعتراض سازمان داد. میتوان طومار های اعتراضی علیه بیکاری به راه انداخت که شعار آن یا کار یا بیمه بیکاری باشد و در این طومار ها اولتیماتوم داد و خواستار پاسخگویی شد. این طومار ها را در تمام محلات و در گروههای تلگرامی در مدیای اجتماعی و در همه جا به امضا گذاشت و حول آن نیرو جمع کرد.

يك گام مهم در کارزار علیه بیکاری، متشکل شدن حول خواستهای روشن و سراسری است. بیمه بیکاری مكفی و امروز در گام اول رقیم بالای خط فقر، یعنی بالای ۴ میلیون تومان، حق همه افراد آماده به کار بالای ۱۸ سال اعم از زن و مرد از حق برخورداری از بیمه بیکاری تا زمانیکه این افراد بیکارند و اشتغالی پیدا نکرده اند و درمان رایگان، تحصیل رایگان و تسهیلات لازم برای تامین مسکن

میلیونی بیکاران جامعه از بیمه بیکاری و هرگونه تامينی است.

بنا بر تعريف سالنامه آماری سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۹۴، "مقرری بگير بیمه بیکاری عبارت است از بیمه شده ای است که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده کار باشد". در طرح جدید این قانون قید شده است که در پروژه هایی که از ابتدا، زمان پایان آن مشخص است، پس از پایان پروژه، به کارگران بیمه بیکاری تعلق نمی گیرد. این درحالیست که بنا بر گزارشات ۱۲ میلیون کارگر با قراردادهای موقت کاری به کار گرفته میشوند و همواره در معرض اخراج و بیکارسازی قرار دارند.

این تعاریف به روشنی نشان میدهد که چیزی که در جمهوری اسلامی به آن "بیمه بیکاری" گفته میشود، دربرگیرنده تمامی نیروی میلیونی عظیم بیکار کشور اعم از زن و مرد نیست و در واقع ربطی به بیمه بیکاری ندارد. بلکه بهای بیکار کردن کارگر از کار و کاستن از ابعاد اجتماعی اخراج هاست. و همین هم زیر فشار جنبش اعتراضی کارگری به دولت تحمیل شده است. میزان "بیمه بیکاری" جمهوری اسلامی ناچیز و بنابر قانون میزانش برابر با ۵۵ درصد میانگین حقوق دو ماهه آخر کارگر است که با افزایش ده درصد به هر يك از افراد تحت تکفل کارگر، مبلغش میتواند اضافه شود. البته نباید میزان آن از حداقل دستمزد کارگر که خود چندین بار زیر خط فقر است، بالا بزنند. برای شمولیت این "بیمه بیکاری" نیز کارگر باید ۶ ماه قبل از بیکارشدنش، سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد که اگر مجرد باشد تا حداقل ۳۶ ماه و اگر متأهل باشد تا ۵۰ ماه این پول به او تعلق میگیرد. حال با توجه به اینکه ۹۶ درصد مشاغل قراردادی و پیمانی است، همین چندرغاز بیمه بیکاری هم شامل حال بسیاری از کارگران نمیشود. و بنابر قانون فاشیستی جمهوری اسلامی کارگران افغانستانی و تبعه کشورهای خارجی نیز از این بیمه محرومند. خواست کارگران بیمه بیکاری برای تمامی افراد بیکار آماده به کار اعم از زن و مرد و يك زندگی انسانی است.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

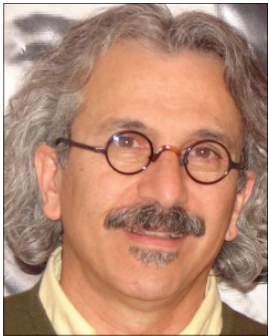
سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:



انقلاب اکتبر، تعابیر و واقعیت ها

علی جوادی

انترناسیونال: يك عرصه کشمکش موافقین و مخالفین انقلاب اکتبر تصویری است که از آن بدست می دهند. مخالفین و بویژه، دشمنان انقلاب اکتبر در مورد رهبری آن یعنی حزب بلشویک و شخص لنین بسیار نوشته اند. يك نبرد سیاسی و ایدئولوژیک در يك صد سال گذشته در این مورد در جریان بوده است. تلاشهای تعطیل ناپذیر استشارگران و جهان سرمایه داری برای بدنام کردن انقلاب انقلاب اکتبر و بکارگیری زرادخانه و امکانات وسیع ادبی، هنری، سیاسی و تبلیغی شان علیه آن پیوسته فعال بوده است. رسانه دولتی فارسی زبان دولت انگلیس، بی بی سی به این مناسبت برنامه گذاشت و بنحو زیرکانه ای لنین و انقلاب اکتبر را مورد حمله قرار داد. از یکطرف می گویند کمونیسم شکست خورده است و بتاریخ تعلق دارد، و از طرف دیگر با تمام قوا علیه آن صف آرای کرده اند. شما این مسائل را چگونه توضیح می دهید؟

علی جوادی: انتظار بررسی واقعیات و بیان حقایق پیرامون انقلاب اکتبر از رسانه های بورژوازی حاکم يك انتظار بیهوده و عبث است. این ارگانها، آتشکده های پخش و گسترش حقایق تاریخی و شعله ور نگهداشتن حقیقت نیستند. مبلغین و مدافعین سیاستهای بنیادی طبقه حاکمه اند. ابزار دیگری در کنار ارتش و پلیس و دادگاه و زندان و کلیسا هستند. مکمل این نهادها هستند. اهداف سیاسی یکسان، اما با ابزار متفاوتی را دنبال میکنند. جملگی به يك هدف خدمت میکنند، تحکیم سلطه طبقه حاکمه در جامعه. یکی مستقیماً سرکوب میکنند، یکی زندان میکنند، یکی محکوم میکنند، یکی ذهن را تخریب و پوک میکنند، یکی نیز جامعه و کلیت آن را در ذهن قربانیان اش توجیه میکنند، ابدی و ازلی جلوه میدهد و هر گونه تلاش برای آزادی و برابری و رهایی انسان از قید بندگی استثمار و حاکمیت طبقاتی را به سخره میکشد. بی بی

سی و امثالهم چنین نقشی دارند. فلسفه وجودی شان این است. به این واقعیت وجودی رسانه ای مانند بی بی سی، نقش واقعی دولت مربوطه این نهاد در قبال انقلاب اکتبر را اضافه کنید، تصویر کامل تری شکل میگیرد. اگر حافظه تاریخی خود را از دست نداده باشیم، باید بخاطر داشته باشیم که دولت انگلستان در زمره دولتهایی بود که جنگ همه جانبه ای را علیه حکومت کارگری جوان و برخاسته از انقلاب اکتبر سازمان داد. نتیجتاً از رسانه دولتی کشوری که با آتش و گرو گرفتن غذا و زندگی يك جامعه به جان انقلاب کارگری اکتبر افتاده است، انتظار دیگری نباید داشت. دشمنی و کینه توزی این جریانها با کمونیسم و انقلاب اکتبر طبقاتی و تاریخی است.

واقعیت این است که انقلاب کارگری اکتبر، کمونیسم را به پرچم امید و آرزوهای دیرینه بشری، در تحقق امر آزادی، برابری، رفاه و سعادت انسانها تبدیل کرد. پس از کمون پاریس، این اولین بار در تاریخ تحولات بشری بود که دیگر امید به تغییر، يك تلاش مبهم و ناروشن نبود. این امید به تلاش طبقه اجتماعی معینی و نیروی سیاسی جنبش معینی گره خورده بود. خود آگاه شده بود و اهرم تغییر را حدادی و آزمایش کرده بود. انقلاب اکتبر يك تجربه عظیم تاریخی در تاریخ تحولات بشری است.

انقلاب کارگری اکتبر هر چند برای مدتی قدرت سیاسی را دست بورژوازی خارج کرد اما در استقرار اهداف اقتصادی خود شکست خورد. این انقلاب نتوانست کار مزدی را لغو کند، توانست مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و توزیع اجتماعی را اشتراکی کند، نتوانست مناسبات پولی حاکم بر جامعه را برچیند، نتوانست از سرمایه داری خلع ید کند، از این رو شکست خورد. اما ظاهراً بورژوازی هر روزه نیازمند شکست شبح و خاطره آن رویداد عظیم تاریخی هم است. گویا شبح انقلاب اکتبر بر فراز جامعه

بشری در حال گشت و گذار است. و این واقعیت بیش از هر چیز گویای "خطر" انقلاب کارگری دیگری است. تبلیغات و تحریفات روزمره بورژوازی در مقابله با انقلاب اکتبر از چنین ضرورتی نشئت می گیرد. بوشیدند اند، این "خطر" را حس میکنند. از این رو بورژوازی هر روز به جنگ انقلاب اکتبر می رود چرا که خطر را می شناسد. خطر اینکه کارگر و توده مردم ستمدیده و محروم برای خلاصی از این وضعیت نکبت بار به انقلاب اکتبر دیگری متوسل شوند. از این رو هر روزه تحریفش میکنند. تلاش میکنند حتی خاطره این تحول عظیم بشری را از اذهان جامعه حذف کنند.

چند محور در این جدال عظیم تبلیغاتی عمده اند: ۱- انقلاب یعنی خشونت و جنگ و خونریزی. ۲- حکومت شوروی نتیجه انقلاب اکتبر است. ۳- دیکتاتوری استالین ادامه حکومت کارگری دوران لنین است.

انقلاب یعنی خشونت؟

این تز تمامی ضد انقلابیون معاصر است. سخنگویان و مبلغین بورژوا ما را متهم میکنند که مبلغ اعمال قهر و خشونت برای تحقق اهداف انقلاب کارگری هستیم. مضحک است، نظامی که خود تماماً بر مبنای خشونت استوار شده است (خشونت علیه زندگی اکثریت عظیم توده های زحمتکش، خشونت علیه امید و آرزو و مطالبات و عواطف انسانها، خشونت علیه هر گونه حق طلبی و آزادیخواهی، خشونت علیه هر جنبشی که برای احقاق حقوق انسانی قد علم میکند.) به یکباره منتقد خشونت شده است. طبقه و نیرویی که با قدرت سلاح کشتار دسته جمعی اش آماده است که چندین کره ارض را به نابودی بکشاند، مدعی عدم خشونت است. این دو رویی از مشخصات دنیای وارونه سرمایه داری است. نه تنها در هیچ کجای مارکسیسم و کمونیسم از اعمال قهر بمثابه جزء لاینفک انقلاب کارگری یاد نشده است. بلکه تجربه انقلاب

اکتبر تماماً نافی این تبلیغات کور و زهر آگین بورژوازی است. قیام کارگری در مسکو و سن پترزبورگ با کمترین مشقات قدرت سیاسی را از دسته بورژوازی و طبقه استثمار حاکم خارج کرد. تعداد کشته شدگان این قیام از تعداد انگشتان دست هم کمتر بود. اما بورژوازی جهانی به جان این انقلاب نوپا افتاد. تا نتوانستند به این انقلاب خون پاشیند. ارتش سفید به رهبری ژنرال تراریست، کورنیلوف، را به جان این انقلاب نوپا انداختند. این حکومت از فردای استقرار خود با تعرض خونین و لشکرکشی ۱۴ کشور امپریالیستی روبرو شد. واقعیتی که زخم عمیقی بر پیکر این انقلاب تاریخی بجا گذاشت. این زخم و خونریزی حاصل تلاش وحشیانه بورژوازی جهانی بمنظور شکست انقلاب اکتبر بود. بعلاوه، واقعیت اساسی تر این است که این نظام بطور مسالمت آمیز تسلیم اراده آزاد توده های مردم برای تغییر نظام موجود نخواهد شد. برعکس، انقلاب اکتبر بوضوح نشان داد که خشونت بورژوازی علیه اراده اکثریت عظیم مردم در خلع ید از نظام استثمارگرایی سرمایه داری، حتمی و اجتناب ناپذیر است.

حکومت شوروی نتیجه انقلاب اکتبر؟

این تز اساساً در پس شکست و فروپاشی اردوی بلوک سرمایه داری دولتی شرق در تبلیغات بورژوازی برجسته شد. هدف این بود که این پدیده شکست خورده و غیر قابل انکار را تماماً محصول يك تلاش عظیم کارگری و انسانی قلمداد کنند تا از این دریچه به نفی هر گونه تلاشی از جنس انقلاب اکتبر نقبی بزنند. اما اینکه شوروی با هیچ شاخصی يك کشور سوسیالیست نبود، اینکه شوروی از اساس با ایده آل ها و افق مارکسیستی از سوسیالیسم کاملاً بیگانه بود، حتی برای خود مبلغین بورژوازی غیر قابل انکار بود. ما همواره اعلام کرده ایم که نه شکست شوروی بلکه

اساساً شکل گیری شوروی نشان شکست انقلاب کارگری اکتبر به رهبری لنین بود. انقلاب اکتبر توانست از بورژوازی خلع ید کند، اما در دگرگون کردن و نابودی بنیادهای اقتصادی جامعه سرمایه داری، در لغو کارمزدی و بردگی مزدی، در نابودی مناسبات استثمارگرایی سرمایه داری حاکم، در لغو پول و مناسبات پولی حاکم بر جامعه، در نابودی شکاف و اختلاف طبقاتی و در لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و توزیع اجتماعی، شکست خورد. حکومتی خاکستری و بورکراتیک و دستوری شوروی بر متن این شکست شکل گرفت. آنچه شکل گرفت يك سرمایه داری دولتی بود که مکانیسم بازار و رقابت سرمایه را در ز گرفته بود. از شکست شوروی و بلوک شرق هیچ استنتاجی در نفی انقلاب اکتبر نمیتوان بدست داد. اما برای ما کمونیستهای کارگری این تاکید را برجسته کرد که، انقلاب کارگری تنها با انقلاب در مناسبات اقتصادی جامعه قادر به پیروزی همه جانبه خواهد بود و باید به مثابه يك انقلاب اجتماعی به پیروزی برسد.

استالین ادامه لنین؟

و بالاخره میگویند پرچمی که استالین در دست گرفت، همان پرچم لنین است. ادامه منطقی آن است. همان اهداف و سیاستها است. اگر لنین هم زنده بود متوسل به همین اقدامات میشد. میکوشند تجربه شوروی را به پای لنین بنویسند. البته همین مبلغین هرگز نمی پذیرند که هیتلر محصول سرمایه داری زمان خود بود. اکثریت عظیم دیکتاتورهای تاریخ معاصر مدافعین پرو پا قرص حکومتهای سرمایه داری معاصر بوده و هستند. محصول و یا از حامیان جدی همین دمکراسی موجودند. هدف این



زنده است چون با نقد نظام سرمایه داری نشان داد که چرا اکثریت انسانها از هوای پاک و خانه خوب و کار کم و استراحت بیشتر و تفریح محرومند و آن نظام همچنان هست. مارکس زنده است چون نشان داد که ریشه واقعی محرومیت انسانها از زندگی درخور شان انسانی کجاست. مارکس زنده است چون نظم سرمایه داری جهان را به سمت نابودی کامل سوق میدهد؛ چون سرمایه داری افسارگسیخته بشریت را به سمت نابودی میبرد، چون جهان سرمایه داری در مرکز دموکراسی اش با ترامپ و در مهد فاشیسم اسلامی با خامنه ای، حتی به منبع تنفس انسان، یعنی هوا هم، تعرض کرده اند.

بنا بر همه دلایل بالا، انقلاب اکتبر هم زنده است چون قدرتمندترین تلاش طبقه کارگر و توده های محروم برای متحقق کردن آرزوهای انسانی مارکس بود. تلاشی بود که با دستاوردهای کم نظیرش در همان سالهای اول نشان داد که تصویر مارکس از زندگی فقط یک آرمان و آرزو نیست، بلکه امکانپذیر است.

جهان امروز به انقلاب اکتبر دیگری نیازمند است، چون در بر همان پاشنه ای میچرخد که صد سال پیش میچرخید: قدرت سیاسی در دست طبقه سرمایه دار است و سود، و نه انسان و رفاه و آسایش و حرمت او مبنا و محور این نظام است. جهان به انقلاب اکتبر دیگری نیاز دارد، چون نظم سرمایه داری، نظم حاکم است و در آن، سرمایه و سودآوریش حتی هدفی بالاتر از هوا برای تنفس انسانهاست.

جهان حتی برای تنفس هوای پاکیزه، نیازمند انقلاب اکتبر دیگری است.

جهان به انقلاب اکتبر دیگری نیاز دارد!

در صدمین سالگرد انقلاب اکتبر

محسن ابراهیمی

بشری برای برقراری عدالت و زندگی انسانی در میان مردم جهان شکل دهند؛ انقلابی که میخواست جهان وارونه را بر قاعده اش قرار دهد. منطق این تعرض سازمانیافته علیه انقلاب اکتبر چه در جریان انقلاب و چه در دوره جنگ سرد و چه بعد از پایان جنگ سرد یکسان است. انتقام سیاسی از طبقه کارگری که امپراطوری عظیم ملاکین و سرمایه داران در یک ششم کره زمین را در هم شکستند و قدرت سیاسی را بدست گرفتند.

برگردیم به مارکس در سوهو. مارکس حضار را مطلع میکند که به خاطر یک اشکال بوروکراتیک سر از نیویورک در آورده است و به مخاطبین نیویورکی اش میگوید: "شما این را پیشرفت می نامید، چون شما اتوموبیل و تلفن و هواپیما و هزار جور عطر دارید که خودتان را خوشبو کنید؟ و مردم در خیابانها میخوانند؟"

و ادامه میدهد: "به مردم چیزهایی را بدهید که نیاز دارند، هوای پاک، آب تمیز، درختان و فضای سبز، خانه های خوب برای زندگی، ساعات کمی از کار، ساعات بیشتری برای استراحت و تفریح. نرسید چه کسی سزاوار آنهاست. همه انسانها سزاوار هستند."

همین جملات آخر به خوبی نشان میدهد که چرا مارکس در میان شگفتی دشمنان طبقاتی اش که منظم و منبوحانه اعلام میکنند "مارکس مرده است"، باز میگردد. و همین جملات باز هم به خوبی نشان میدهد که چرا جهان به انقلاب اکتبر دیگری نیازمند است!

مارکس منظم باز میگردد چون با نقد عمیق نظم سرمایه داری، بنیاد اقتصادی تقسیم انسانها به "سزاوار" و "ناسزاوار" را تحلیل کرد و آن نظم همچنان برقرار است. مارکس

مارکس زنده هستند. زنده اند به همان دلیلی که مارکس زنده است. انقلاب اکتبر و دستاوردهایش و رهبرش برای همه آن طبقات و دولتها و نمایندگان سیاسیشان مرده اند که در وقت خودش برای سلاخی و کشتن آن انقلاب به خشونت و قساوت کم سابقه و کم نظیری متوسل شدند؛ همه آنهایی که به کمک بقایای سلسله ۳۰۰ ساله رومانوفها و بورژوازی روسیه شتافتند و نسل بزرگی از طبقه کارگر آگاه روسیه و پیشروان کمونیست این طبقه را به خاک و خون کشیدند؛ همه آنهایی که میدانستند پیروزی آن انقلاب در یک ششم کره زمین همه کره زمین را تکان خواهد داد و نظام سرمایه داری در کل جهان را در معرض خطرات و تکانهای شدیدی قرار خواهد کرد.

و دقیقاً این اتفاق افتاد. زمین لرزه سیاسی در روسیه، فوراً با پس لرزه های شدید به اروپای سرمایه داری راه پیدا کرد. این بار جهان سرمایه داری در غرب برای خنثی کردن آثار "ویرانگر" این پس لرزه ها مجبور شد بخشی از ثروت خلق شده توسط طبقه کارگر را به این طبقه بازگرداند تا شیخ انقلاب اکتبر را از سر بگذراند و بنیاد نظامشان دست نخورده باقی بماند. بورژوازی ناگزیر پروژه دولتهای رفاه را به میان کشید تا قدرت سیاسی به دست خود طبقه کارگر نیافتد!

۱۰۰ سال از انقلاب اکتبر گذشته است. در این صد سال همانهایی که علیه طبقه کارگر روسیه و میلیونها توده زحمتکش پیاخسته در اول قرن به توحشی کم سابقه دست زده بودند، یکدم از پا نشستند و همه امکانات تئوریک، سیاسی، هنری، فرهنگی، ادبی جهان سرمایه داری را بسیج کردند تا تصویر وارونه ای از شخصیت لنین و از انقلاب اکتبر، از این تلاش عظیم

نمایش "مارکس در سوهو" نوشته هوارد زین را شاید دیده باشید. اگر هم ندیده اید توصیه میکنم حتما ببینید. اجرای این نمایش به صورت یک مونولوگ تک پرده ای به زبان فارسی هم در اینترنت قابل دسترسی است.

در این نمایش مارکس به نیویورک قرن بیست و یک می آید و سخنانش را خطاب به حضار اینچنین شروع میکند: "خوب شد که آمدید. شما توسط آن احمقهایی که میگویند مارکس مرده است دلسرد نشده اید. خوب من هم مرده و هم زنده ام. این هم دیالکتیک برای شما!"

مصادق واقعی این طنز تئوریک مارکس را میتوان در نتایج نظرخواهی وبسایت انگلیسی بی بی سی در ۲۰۰۰ دید که با شرکت ۲ میلیون نفر از مردم کشورهای گوناگون از سرتاسر جهان انجام شد و از میان اندیشمندان هزاره، کارل مارکس مقام نخست، آلبرت انیشتین و آیزاک نیوتون با فاصله ای بسیار از او، بعنوان نفرت دوم و سوم انتخاب شدند. سال ۲۰۰۵ در یک نظرخواهی دیگر بی بی سی، مارکس به عنوان بزرگترین متفکر هزاره دوم انتخاب شد. یادآوری میکنم که این نظرخواهی توسط یکی از قدیمی ترین، مجرب ترین و کارکشته ترین نگاههای خبر سازی و مهندسی اذهان توسط طبقه سرمایه دار انجام شده است. واقعیتی که نتیجه نظرخواهی به نفع مارکس را صدچندان معتبر میکند.

طنز مارکس در باره دیالکتیک، در باره انقلاب اکتبر - نه ناسیونالیسم عظمت طلب روسی به رهبری استالین و سرمایه داری دولتی که در نتیجه شکست آن انقلاب مستقر شد - و همچنین لنین صادق است. هم انقلاب اکتبر و هم رهبرش لنین همچون خود

تبلیغات روشن است. میکوشند چهره شاخص لنین در رهبری و هدایت یک انقلاب پیروزمند کارگری را خدشه دار کنند. اما هیچ حقیقتی در این اظهارات موجود نیست. تماماً جعلیات مبلغین بورژوازی است. اینکه لنین در زمان خودش در زمره برجسته ترین آزادیخواهان زمان خود بود، غیر قابل انکار است. اینکه لنین در بخش وسیعی از جهان در زمان خودش به عنوان یک رهبر برجسته کارگری و مدافع آزادی قلمداد میشد - بطوریکه حتی بخشهای وسیعی از خود بورژوازی ناچار به اذعان به این واقعیت بودند - از قرار هیچگونه لکه ای بر این تصویر کاذب ایجاد نمیکند. این جماعت بی مقدار فراموش کرده اند که خود بورژوازی در زمان خودش بارها و علناً به آزادیخواهی و برابری طلبی لنین اذعان کرده است. لنین یک رهبر واقعی و صالح انقلاب کارگری بود که سهم مهمی در تاریخ عمل و تئوری انقلابی طبقه کارگر دارد. لنین یک رهبر پرشور کارگری بود، نماینده آزادی و برابری و عدالت در زمان خود بود. هیچ درجه تحریف و جعل نمیتواند لنین را با دیکتاتوری و استبداد و به حقوقی مردم معادل قرار دهد. از نقطه نظر ما کمونیستها لنین نقش ویژه ای در تبیین نقش اراده انقلابی طبقه کارگر در تحقق انقلاب اجتماعی ایفا کرد. لنین "امکان پذیری" سوسیالیسم را به عمل انقلاب طبقه و جنبش معینی در جامعه سرمایه داری گره زد. همین نقش است که منبوحانه مورد تعرض مبلغین بورژوازی است. هر چند که فریادها گوشخراش تر باشند، نشان زنده بودن این سیاستها در تحولات جامعه بشری است. جهان نیازمند لنین های دیگری و انقلابات کارگری دیگری از جنس انقلاب اکتبر است.

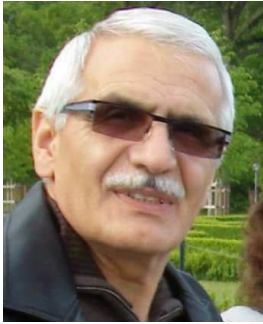
**حزب کمونیست
کارگری ایران**

**fb.com/
wpiran**

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

قضات و بازجوهای خود فروخته محاکمه میشوند!

گفتگو با هرمزرها مسئول کمیته بین المللی علیه اعدام



هرمزرها: برای تضمین آزادی

بدون قید و شرط سهیل، باید افراد مبارزه و این کمپین پیوندند، و باید در کشور های هرچه بیشتری به دولتها و همینطور نهادهای بین المللی مراجعه کرد. ما به سهم خود به کار میدانی و مراجعه به دولتها و نهاد های بین المللی ادامه خواهیم داد. برای دهم اکتبر روز جهانی علیه اعدام در آلمان کنفرانسی ترتیب داده شده است که مینا احلی در آن شرکت دارد. موضوع محکومین به اعدام به دلیل نقد مذهب و مقدسات مذهبی نظیر کیس سهیل عربی در آنجا مطرح خواهد شد. در استکهلم نیز یک جلسه دیگری بمناسبت دهم اکتبر برگزار میشود که بر روی پرونده سهیل تمرکز خواهد داشت. هم اکنون پیتشن های متعددی در اینترنت در حمایت از سهیل وجود دارد که از همگان دعوت می کنیم آنها را امضا کنند. در تویتر هم طوفان تویتری برای نجات سهیل ادامه خواهد داشت. امیدوارم با گسترش این اعتراضات به آنجا برسیم که سهیل عربی که برای ابراز اندیشه و عقیده خود متحمل این همه شکنجه روحی و جسمی شده است هر چه زودتر آزاد شود و به آغوش گرم خانواده اش برگردد. سهیل عربی جرمی مرتکب نشده است. او عقیده خود را بیان داشته است. جمهوری اسلامی مجرم است که افراد را بدلیل بیان عقایدشان زندان و شکنجه و یا اعدام می کند.

این عزیز خانواده محروم بودند، انتظارشان بسر رسید و یک بار دیگر برای آزادی او با رجوع به مردم و رسانه های اجتماعی و نهاد های مختلف، طلب حمایت و یاری کردند. با توجه به آمادگی ذهنی جامعه از وضعیت پرونده سهیل و آگاهی به ظلم و اجحافی که به این خانواده رفته، در کمتر از ۲۴ ساعت، میلیونها نفر در جریان وضعیت جدید او و مبارزه اش قرار گرفته و تحت تاثیر قرار گرفتند. امنستیتی خواهان آزادی و دسترسی به مراقبت پزشکی برای او شد. در مقابل مجلس جمهوری اسلامی به فراخوان مادر سهیل، و در مقابل ساختمان وزارت امور خارجه سوئد در استکهلم، به فراخوان کمیته بین المللی علیه اعدام، دوتا تجمع پر شور برگزار شد. از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام نامه ای به وزیر امور خارجه سوئد تحویل داده شد. در این نامه، از دولت سوئد خواسته شده بود که اقدامات لازم برای نجات جان سهیل عربی و فشار آوردن بر جمهوری اسلامی برای آزادی ایشان را در دستور خود قرار دهد. ویدیو کلیپهای سهیل در هزاران صفحه اینترنتی منتشر شد. در زندان اوین سهیل را به دفتر اطلاعات زندان برده از او خواستند که به اعتصاب غذای خود پایان دهد که او قبول نکرد و گفت هر وقت که آزاد شدم اعتصاب را می شکم. به گفته مادر سهیل عربی، سهیل پس از شنیدن اخبار حمایتی از او، جان تازه ای گرفته است و از این بابت بسیار خوشحال است.

انترناسیونال: آیا اقدامات دیگری در دستور دارید؟

ناعادلانه دادرسی او را، در مصاحبه های مختلف با خانواده و وکیل او، از طریق برنامه تلویزیونی علیه اعدام، جلو چشم مردم قرار دهیم. طی چند ماه بحث آزادی بیان را بشدت دنبال کردیم که توجه بسیاری را بخود جلب کرد. جمهوری اسلامی تحت فشارهای بین المللی و اعتراضات جهانی مجبور شد در حکم اعدام سهیل تجدید نظر کند. سهیل عربی در در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۹۴ به هفت سال و نیم حبس محکوم شد و برای اینکه "تشان دهد از کرده خود پشیمان است" او می بایست در دو سال، ۱۳ کتاب در حوزه های دین شناسی، مذهب شناسی و رفع شبهات دینی بخواند و نتیجه مطالعات مذهبی خود را با نهادهای دینی حکومت در میان بگذارد.

سهیل در مقابل حکومتیان در زندان ایستاد. با اینکه او به گفته مادرش حکم عفو داشت، از زندان آزاد نشد و در عوض، جمهوری اسلامی همسر و خانواده وی را تحت فشار گذاشت. جمهوری اسلامی نستر ناعمی همسر سهیل را دستگیر کرد و پس از آزادی از زندان او را هم از کار اخراج کردند. در اعتراض به این فشارها، سهیل دست به اعتصاب غذا زد و از اول مهر وارد اعتصاب غذای خشک شد. با ارسال یک پیام نوشتاری و صوتی از زندان، سهیل عربی جهانیان را متوجه ظلمی بزرگی کرد که علیه او روا شده است. پیام او به اندازه کافی تکان دهنده بود. کمیته بین المللی علیه اعدام، این پیام را به شکل یک ویدیو و با صدای سهیل و سیعاً پخش کرد. از سوی دیگر، دختر کوچک و همسر و مادر سهیل که چهار سال از بودن با



مذهب و خرافات و چپاول و اختلاس، رژیم و جنایاتش را به چالش گرفته اند. جمهوری اسلامی که می دید در این عرصه نبرد را باخته است و داد و فغانشان از گسترش بی دینی در جامعه بلند شده، برای مسدود کردن فضای جدید به حمله گسترده سائیری و دستگیری و بازداشت های گسترده فعالین این عرصه و صدور احکام سنگین زندان و اعدام علیه آنها دست زد.

می خواهم بگویم کیس سهیل عربی بطور برجسته و سمبلیک، یک نبرد وسیع و گسترده بین مردم از یکسو، و جمهوری اسلامی در طرف دیگر را، نمایندگی می کند. مردم و جوانانی که استبداد مذهبی نمی خواهند، و می خواهند آزاد باشند، مقدسات مذهبی را نقد و طنز میکنند. جوانان از مذهب متنفرند. حکومتی که پایه هایش را در مقابل چنین مردمی لرزان می بیند، هراسان و نگران، چنگ و دندان نشان می دهد.

انترناسیونال: شما چه اقداماتی را از بدو دستگیری سهیل عربی انجام داده اید؟ و این اقدامات چه تاثیری بر وضعیت او و زندانیان سیاسی داشته است و یا می تواند داشته باشد؟

هرمزرها: سابقه فعالیت های ما برای سهیل عربی به چند سال پیش برمی گردد. کمیته بین المللی علیه اعدام بعد از مطلع شدن از صدور حکم اعدام برای این جوان شجاع، در پاییز سال ۹۳ کمپینی را برای نجات جان او شروع کرد که مورد حمایت و پشتیبانی هزاران نفر در داخل و خارج قرار گرفت. ما توانستیم وضعیت پرونده و مراحل

انترناسیونال: چرا سهیل عربی اینچنین بی رحمانه از طرف حکومت تحت فشار قرار گرفته است؟ جمهوری اسلامی چه هدفی را از زندانی کردن و تحت فشار قرار منتقدین مذهب دنبال میکند؟

هرمزرها: همانطور که در سوال اشاره کردید سهیل در سال ۹۲ توسط سپاه دستگیر شد و اتهام او این است که با ادمینی چندین صفحه فیس بوکی به مقدسات اسلامی و نظام و شخص خامنه ای توهین کرده است و علیه جمهوری اسلامی دست به تبلیغ زده است. واقعیت این است که در ایران موج گسترده ای از نقد به مذهب و مقدسات اسلامی وجود دارد که سهیل فقط یکی از آنهاست. سینا دهقان، محمد نوری و... موارد دیگری از آنها هستند.

همانطور که می دانیم بدنبال سرکوب و حشایش خیزش مردم بعد از انتخابات سال ۸۸ و رواج گسترده شبکه های اینترنتی مدیای اجتماعی، میلیونها مردم، بویژه جوانان وارد این فضای جدید ارتباطی شدند. جوانان برای دست یافتن به خواستهای انسانی پایمال شده شان، برای دستیابی به آزادی، برای خلاصی از مذهب و دخالت روزمره آن در زندگی مردم، برای اینکه حرف دلشان را بزنند، از این فضا استفاده کردند و در مقابل رژیمی که قصد دارد، فضای گورستانی مشابه دهه شصت را در جامعه برقرار کند، صف آرای کرده اند.

جوانان، هزاران صفحه فیسبوکی و وبلاگی و تلگرامی دایر کرده اند و از طریق طنز و مطلب و تحلیل



کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



تجمعات شرکت کنندگان پلاکاردهایی که بر روی آنها خواسته‌هایشان را نوشته بودند، بدست داشتند و از جمله شعارهای؛ معلمان زندانی را آزاد کنید، خط فقر ۴ میلیون، حقوق ما یک میلیون، معلم کارگر دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، جای معلم زندان نیست، زندگی می‌خواهیم وعده و بهانه به ما تحویل ندهید، تحصیل رایگان، و معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، توجه‌ها به خود جلب میکرد. همچنین تجمع کنندگان شعار میدادند معلم می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد، تا حق خود بگیریم از پا نمی‌نشینیم. بدین ترتیب روز معلم امسال به عنوان یک روز سراسری اعتراض ثبت شد. اتفاقی که در سیزده مهر افتاد، در ادامه اعتراضات پرشور کارگران آذربای و هپکو در اراک و در کنار اعتراضات گسترده در محیط‌های کارگری و فضای پر التهاب جامعه، یک اتفاق سیاسی مهم است. در این اعتراضات کارگران و مردم معترض هر روز بیشتر با خواسته‌های سراسری خود به جلو آمده و صحنه‌های درخشانی از اتحاد و همبستگی مبارزاتی را به نمایش می‌گذارند.

از بازنشستگان فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان در اعتراض به تعویق پرداخت حقوق شهریور ماه و با خواست پرداخت به موقع مستمری هایشان در مقابل ساختمان استانداری تجمع کردند. یک مشکل این بازنشستگان بیمه درمانی آنها است. افزایش حقوق‌ها به بالای خط فقر، درمان رایگان برای همه و تحصیل رایگان برای کودکانشان از جمله خواسته‌هایی است که این کارگران در تجمعات گذشته خود اعلام کرده‌اند. بازنشستگان فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان یک بخش دائمی معترض بر سر حقوق پایه‌ای خود هستند. اعتراضات پی در پی این کارگران انعکاس وسیعی در شهر اصفهان داشته و فضای شهر را تحت تاثیر خود قرار داده است.

تجمع اعتراضی در مقابل مجلس اسلامی در حمایت از فراخوان سهیل عربی

روز دهم مهرماه در پاسخ به فراخوان خانم فرنگیس مادر سهیل عربی تجمع اعتراضی دانشجویان و کارگران در حمایت از سهیل و زندانیان سیاسی در مقابل مجلس اسلامی تجمع کردند. تجمع کنندگان خواستار آزادی سهیل

گذرانند دوره محکومیت ۵ ساله اش آزاد شد. او پس از آزادی به دلیل بازگشت بیماری سرطانش در بیمارستانهای تبریز بستری و پس از مدتی به بیمارستان شهدای تجریش در تهران منتقل شد و در ۱۳ مهر پس از مدتها مبارزه با سرطان در این بیمارستان جان باخت. در واقع جمهوری اسلامی محمد جراحی را به قتل رساند.

محمد جراحی یک کارگر مبارز، کمونیست و آزادیخواه و کادر حزب کمونیست کارگری ایران بود. زندگیش سراسر مبارزه در راه آرمانهای انسانی اش و برای آزادی و سوسیالیسم بود. یاد او همیشه گرامی است.

تجمعات سراسری هزاران نفره معلمان به مناسبت سیزده مهر در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر، تجمع اعتراضی بازنشستگان و صنایع فولاد و ذوب آهن اصفهان از دیگر خبرهای مهم اعتراضی در هفته گذشته است.

تجمع سراسری هزاران نفره معلمان به مناسبت ۱۳ مهر روز جهانی معلم برگزار شد

روز ۱۳ مهر، روز جهانی معلم جمعیت عظیمی از معلمان شاغل و بازنشسته در تهران و شهرهای دیگر گرد آمدند و خواسته‌هایشان را پیگیری کردند. در تهران بیش از سه هزار نفر در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند و در شهرهای دیگر تجمعات در مقابل مراکز آموزش و پرورش برگزار شد.

بازنشستگان لشگری، کشور، تأمین اجتماعی، و وزارت بهداشت نیز همبستگی خود را با این تجمع اعلام کرده بودند. در این تجمع حضور فعالین کارگری، بازنشستگان، دانشجویان و فعالین اجتماعی چشمگیر بود. در این روز بار دیگر صدای شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، بهشتی، عبیدی، شهابی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد در خیابانهای اطراف محل طنپین انداز شد. در این

درگذشت محمد جراحی چهره محبوب و شناخته شده کارگری در سیزدهم مهر ماه خبر دردناک و تأسف بار این هفته است. درگذشت او برآستی ضایعه ای در جنبش کارگری و برای جنبش کمونیستی است. جان باختن محمد جراحی را به خانواده اش و به همگان تسلیت می‌گویم.

محمد جراحی همراه با زنده یاد شاهرخ زمانی، که در شهریور ۹۴ در زندانهای رژیم اسلامی جان باخت، از بنیانگذاران سندیکای نقاشان بود. محمد جراحی همچنین عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل‌های کارگری بود. او اول بار در سال ۸۶ به دلیل مبارزاتش در دفاع از حقوق کارگران بازداشت و به ۱۴ ماه حبس محکوم شد و بعد تر با قرار وثیقه از زندان آزاد شد. جراحی بار دوم در سال ۸۷ و بمدت یک ماه در زندان بود. و بالاخره او در خرداد سال ۹۰ همراه با شاهرخ زمانی و تعدادی از فعالین دانشجویی تبریز دستگیر شد و در بیدادگاههای رژیم اسلامی به ۵ سال حبس محکوم گردید. محمد جراحی طی نامه‌ای از زندان حکم خود را نا عادلانه خواند و فعالیت‌هایش را در دفاع از حقوق کارگران برحق دانست. او مدت ۵ سال را بدون یک روز مرخصی و در شرایط بسیار سخت در زندان مرکزی تبریز گذراند. اما محمد جراحی در زندان نیز همچنان ایستاد و صدای آزادیخواهی و انسانیت بود. از جمله با گذاشتن امضای خود در زیر بیانیه‌هایی که در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام می‌گذاشت، همچنان در صف مقدم اعتراض بود.

محمد جراحی در زندان به بیماری سرطان تیروئید مبتلا شد. در آنموقع تحت عمل جراحی قرار گرفت، اما بعد از عمل جانینان اسلامی او را دوباره به زندان بازگردانند و اجازه ندادند که تحت کنترل قرار گیرد و حتی به او داروی اشتباه دادند. این خبر در آن هنگام با موجی از اعتراض روبرو شد. جراحی در مرداد ۹۵ پس از

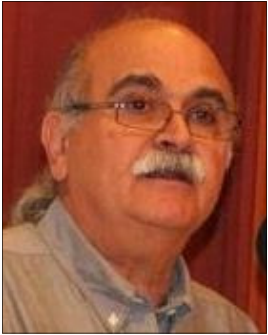
تراکت های حزب

کمونیست کارگری ایران
را تکثیر و وسیعاً پخش کنید

www.wpiran.org

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

درگذشت طالبانی: برای چه باید متأسف بود؟



سرکارگران و توده مردم خواهند آورد.

جلال طالبانی درگذشت اما آنچه باعث تأسف و تأثر است عود کردن ناسیونالیسم در میان کمونیست‌هایی است که حتی جنایات ناسیونالیست‌ها در هیأت دولتهای قومی - مذهبی در اقلیم کردستان و در عراق، خدشه ای در تعلق خاطرشان به یک "رهبر محبوب خلق کرد" وارد نکرده است.

حمید تقوایی

درگذشت جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی و رئیس جمهور سابق عراق پیام تسلیت چهره های مختلفی، از مقامات جمهوری اسلامی تا برخی کمونیست‌ها را بدنبال داشت. این پیام‌ها با تسلیت گوئی دوستان و وابستگان متفاوت است. شخصی و فردی نیست، بلکه نشان‌دهنده سیاست و جهت گیری معینی است.

دلایل سیاسی پیام تسلیت مقامات جمهوری اسلامی روشن است. آنان یکی از پیگیرترین و وفادارترین حامیان‌شان را از دست داده اند. اما چه باعث شده است

"کردایتی" آن عاملی است که باعث میشود کسانی که خود را کمونیست میدانند و در عمرشان برای هیچ رئیس جمهور سابق و اسبقی، حتی در دولتهای بسیار سکولارتر و امروزی تر از دولت عراق، پیامی نفرستاده اند، مرگ طالبانی را تسلیت بگویند.

جلال طالبانی رهبر یک جریان ناسیونالیستی کرد بود که حتی قبل از اینکه در رکاب ارتش آمریکا به پست ریاست جمهوری عراق پرتاب شود، ضدیت خود را با کمونیست‌ها و با اعتراضات و مبارزات کارگری بارها نشان داده بود.

منصور حکمت در سال ۹۲ به ترهات طالبانی علیه شوراهای

کسانی که خود را کمونیست میدانند مرگ "مام جلال" را تسلیت بگویند؟ تاریخچه مشترک و نوستالژی دوره هم‌زمی در "جنبش خلق کرد"؟ تنظیم مناسبات و محاسبات دیپلماتیک منطقه ای؟ نزدیکی با احزاب ناسیونالیست کرد در ایران؟ و یا ...؟

دلیل هر چه باشد این نوع پیامهای تسلیت، پیام سیاسی معینی را به جنبش و احزاب ناسیونالیستی کرد در عراق و ایران و منطقه مخابره میکند. این پیام را که یک شخصیت و رهبر "جنبش کرد" حتی اگر در راس یک دولت قومی - مذهبی قرار بگیرد، قابل احترام است. هویت کردی و

در پاسخ به فتوای آقای جلال طالبانی علیه شوراهای کارگری در کردستان عراق

آقای طالبانی هم معطوف به کومه له امروز و رهبران فعلی آن است. عکس العمل این تشکیلات و این افراد در مقابل اینگونه حملات آقای طالبانی به شوراها، و به چرخش به چپ کومه له در گذشته (که در ظاهر ناسزاگوئی به من بیان میشود)، بهترین محک درجه آمادگی امروز آنها برای بازگشتن زیر سایه پر محبت و پلرانه احزاب سنتی ملی کرد خواهد بود. آقای طالبانی دارد از قول کومه له امروز نسبت به تجربه ده سال گذشته این سازمان ابراز ندامت میکند. عکس العمل کومه له روشن خواهد کرد که در این عواطف شریک است یا خیر. کارگر و کمونیست در کردستان بی شک دیر یا زود این سوال را جلوی کومه له و رهبران آن می‌گذارد که پاسخشان به اینگونه حملات و سمپاشی‌ها علیه شوراها و مدافعان و فعالین جنبش کارگری در عراق چیست.

منصور حکمت

کارگر امروز شماره ۲۷

تیر ۱۳۷۱ ژوئیه ۱۹۹۲

مشروطه‌شان برسند، در ادعاینامه دادگاههای انقلاب کردستان علیه شریف ترین مبارزین سوسیالیست طبقه کارگر خواهند نوشت.

طبقه کارگر در کردستان باید این قبیل اظهارات را جدی بگیرد. این اظهارات خود تأکیدی بر ضرورت جدائی سیاسی قطعی و کامل طبقه کارگر در کردستان عراق از ناسیونالیسم و جماعت‌های ناسیونالیستی و پا به صحنه گذاشتن آن بعنوان یک نیروی مستقل و قدرتمند طبقاتی است. صحنه سیاسی عراق و بویژه کردستان متحول و ناپایدار است. اگر اوضاع به نفع دولت مرکزی عراق و یا جریانات ملی در کردستان تعیین تکلیف شود، اولین قربانی کارگر و سوسیالیسم در کردستان خواهد بود.

عدم تعادلی که امروز وجود دارد یک فرصت تاریخی برای کارگر و کمونیست است که خود را محکم کند، حزب بسازد و جنبش شورائی و توده ای خود را روی بنیادهائی ادامه کار استوار کند. آقای طالبانی دیگر باید به چه زبانی بگوید که در این کار باید تعجیل کرد. و بالاخره گوشه ای از صحبت

منافع سیاسی آنها، موتلفین و طرف‌های داد و ستد سیاسی شان، اهدافشان، برنامه شان، روش حکومت شان، برخوردشان به طبقه کارگر، جنگ و آشتی روز و شب شان، و نسخه غم انگیزی که برای جامعه فردای کردستان می‌پيچند، همه و همه معلوم و معرفی است و با عکس و تفصیلات در روزنامه‌ها و رسانه‌های معتبر جهان منتشر شده و کارگر کرد و هر انسان آزادیخواه که به رهائی مردم زحمتکش کردستان میانداشد مجاز به داشتن کوچک ترین توهم و تردیدی در این مورد نیست. اینها بهر حال نکاتی فرعی است. اصل موضوع در سخنان آقای طالبانی خط و نشان کشیدن و تهدید کارگران و جنبش شورائی است. همان زبانی که مدعی است از "طی‌آنچه کشیدن" بروی شوراها خبر ندارد، با فصاحت تمام شوراها را مشكوك و آلت دست عراق میخواند و با این کار فتوای سرکوب خشن هر حرکت جنبش شورائی در آینده را صادر میفرماید. این فرمول قدیمی و نخ‌نمای ناسیونالیسم علیه کارگران است. این جملات را فردا، اگر کارگران شکست بخورند و اینها به

باشد و از آنهم طبیعی تر است که بخواهد سیر اجتناب ناپذیر به میدان آمدن مستقل کارگر در کردستان و انزوای ناسیونالیسم را تخطئه کند و به سیاق همیشگی سیاستمداران بورژوازی در ممالک عقب مانده و مذهب زده، آن را کار شیاطین و توطئه افراد مشكوك قلمداد کند. اما اگر "جویبار اصلی" ای در صحنه سیاسی کردستان امروز هست، اگر نیروئی ماندگار هست که قرار است کردستانی آزاد و مرفه بسازد، همان جنبش شورائی و سوسیالیستی کارگران است. این "بهار" ملی گرائی است که دیگر بسر رسیده است. آقای طالبانی میخواهد همین واقعیت را کتمان کرده باشد.

بهرحال بهر درجه سخنان آقای طالبانی در تداعی کردن من با شوراها و کمونیستی شدن کومه له صحت داشته باشد، بهمان درجه بعنوان یک کمونیست باید خود را مفتخرتر و سربلندتر احساس کنم. در پاسخ به القابی که به من داده اند هم فقط میگویم که چه من مشكوك باشم و چه نباشم، خود آقای طالبانی و رهبران ملی کرد ابد افراد مشكوكی نیستند. موقعیت و

قبل از اینکه خود متن اظهارات آقای طالبانی را ببینم دورادور شنیده بودم که ایشان در یک برنامه رادیویی با اسم به من حمله کرده است. اما وقتی متن را خواندم دیدم ایشان ناخواسته فی الواقع از من تمجید کرده است. آقای طالبانی در یک جمله دو رویه‌دار مهم و با ارزش در تاریخ معاصر کردستان را یکجا پیاپی من نوشته است. یکی عروج جنبش شورائی کارگران و زحمتکش کردستان عراق در جریان بحران و جنگ خلیج و دیگری پیوستن کومه له زحمتکش کردستان ایران (کذا) به یک حرکت کمونیستی سراسری و دور شدن آن از "جویبارهای اصلی" ملی گرائی کرد - چیزی که ایشان آن را همانطور که انتظار می‌رود "خراب کردن کومه له زحمتکش..." اطلاق میکنند. هر دوی این تحولات فضای سیاسی کردستان را برای ملی گرائی سنتی کرد و رهبران و سیاستمداران این جریان تنگ کردند. هر دوی این تحولات زبان کارگر را بر سر بورژوازی و ملی گرائی کرد دراز کردند. طبیعی است که آقای طالبانی از چنین روندهائی ناخشنود

روند استقلال کردستان عراق فوراً باید آغاز شود

فراننوم عمومی در کردستان عراق که روز ۲۵ سپتامبر برگزار شد، مستقل از انگیزه سیاسی دست اندرکاران دولت اقلیم یک رویداد مهم تاریخی بود که بر تحولات بعدی در کل منطقه تأثیرات مهمی خواهد داشت. علیرغم تهدیدات و فشارهای دولتهای ارتجاعی اردوغان و جمهوری اسلامی ایران و حکومت دست نشانده عراق و مزدوران حشد الشعبی و امثالهم، فراننوم عموماً در یک فضای آرام برگزار شد و مردم وسیعاً در آن شرکت کردند. بنا به گزارشهای رسمی اکثریت قریب به اتفاق یعنی بیش از ۹۰ درصد مردم به جدایی کردستان از عراق رای داده اند.

اکنون آنچه شاهدیم از یک طرف ادامه تهدیدات از جانب دولتهای ارتجاعی ترکیه و جمهوری اسلامی و باندهای حاکم در عراق و مزدوران وابسته به این دولتهاست، از سوی دیگر باززانی و دولت اقلیم میخواهند رای مردم را به وثیقه زد و بندها و معاملات خود با این دولتها تبدیل کنند.

آنچه مهم و لازم به تأکید است اینست که مردم رای داده اند و رای مردم باید عملی شود. مردم به جدایی رای داده اند و روند این جدایی باید هرچه سریع تر آغاز شود. هیچ مرجعی مجاز نیست که مانع عملی شدن خواست و اراده مردم شود یا بر سر تصمیم مردم دست به معامله

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۲ مهر ۱۳۹۶، ۱۴ اکتبر ۲۰۱۷

مراسم عاشورای دولتی در تورنتو به صحنه ی افشاگری علیه رژیم تبدیل شد

حزب کمونیست کارگری از همه نیروهای آزادیخواه و برابری طلب که یکشنبه ی سرخ دیگری را به ثبت رساندند و نگذاشتند تورنتو به سادگی محلی برای جولان رژیم و مزدورانش باشد تشکر و قدردانی می کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
واحد شرق کانادا

مل لستمن و در مسیر راه چندین ساعت با بلندگوهای قوی با سخنرانی و شعارهای کوبنده به توضیح اهداف رژیم و آگاهگری مردم پرداخته و تا پلازای ایرانیان مسیر راه را به محل افشاگری علیه رژیم تبدیل کرده و در پلازای ایرانیان نیز به سخنرانی پرداختند و یک بار دیگر یکشنبه ای سرخ را در تاریخ مبارزات مخالفین رژیم در تورنتو به ثبت رساندند.

از طرف نیروهای چپ و کمونیست فراخوانی در اعتراض به عاشورای دولتی در تورنتو داده شده بود. حزب کمونیست کارگری نیز یکی از سازماندهندگان و فراخوان دهندگان به این اعتراض بود. فعالین حزب نیز روز یکشنبه اول اکتبر قبل از اینکه سازماندهندگان عاشورای دولتی رژیم اسلامی به محل برسند، در کنار دیگر نیرها و انسانهای چپ و آزادیخواه در میدان



سهیل عربی از زندان اوین: بخاطر قلب مادر و به مناسبت روز جهانی آموزگار آب نوشیدم

این مراسم سرود بخوانم اب نوشیدم و به عشق دو معلم زندانی اسماعیل عبیدی و محمود بهشتی لنگرودی چنان مرغ سحر خواندم که خواب از سر زندانبانان پرید بیاد فرزاد کمانگر بزرگ و به امید آزادی تمامی زندانیان سیاسی. سهیل عربی"

کمیته بین المللی علیه اعدام
۱۳ مهر ۱۳۹۶ - ۱۵ اکتبر ۲۰۱۷

فرصت دادم که به خواسته هایم رسیدگی کنند اگر به قولشان عمل نکنند. مجدداً اعتصاب تر و خشک خواهد شد و اینبار سرم هم نخواهم زد. امروز زندانیان سیاسی بند ۷ اوین مراسمی به مناسبت بزرگداشت روز معلم روز معلم تدارک دیده بودند من هم افتخار داشتم در کنار استاد محمود بهشتی لنگرودی باشم.

بخاطر نگرانی مادرم و نیز به این دلیل که با خود عهد کرده بودن در

شدن اعتصاب غذای سهیل عربی اعلام می دارد که همراه با همه مردم آزادیخواه در ایران و جهان برای آزادی فوری و بدون قید و شرط او تلاش خواهد کرد. متن نامه جدید سهیل عربی که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده است بدین قرار است:

"بخاطر قلب مادر و به مناسبت روز جهانی آموزگار آب نوشیدم. پس از تشنج دیشب و دیدار امروز نماینده سپاه یک هفته به آن ها

سهیل عربی زندانی سیاسی از زندان اوین با ارسال نامه جدیدی اعلام کرده است که بطور موقت به اعتصاب غذای خود پایان خواهد داد. او گفته است که یک مهلت یک هفته ای به نمایندگان سپاه پاسداران داده تا به خواسته های رسیدگی شود و در غیر اینصورت مجدداً دست به اعتصاب غذای خشک و تر خواهد زد. کمیته بین المللی علیه اعدام ضمن ابراز خوشحالی از شکسته

Yahsat

کانال جدید

KANAL-JADID

فرکانس ۱۲۵۹۴	پلازما سیون عمودی
سیمبل ریت ۲۷۰۰	اف ای سی ۲/۳

جمهوری اسلامی باید از نمایشگاه کتاب فرانکفورت اخراج شود!

هیچ توجیهی از قبیل «آزادی بیان و نشر» برای حضور رژیم که کتاب میسوزاند و کتاب نویس و کتاب خوان را شکنجه و اعدام میکند و یک وزارتخانه به اسم وزارت ارشاد برای سرکوب و سانسور و تحت تعقیب قرار دادن نویسندگان مخالف و منتقد دایر کرده است، در نمایشگاه کتاب قابل قبول نیست. مماشات دست اندرکاران نمایشگاه با نمایندگان وزارت ارشاد جمهوری اسلامی، دهن کجی آشکاره مردم ایران و به هرنوع آزادی بیان و عقیده است. جمهوری اسلامی و نهادهای به اصطلاح فرهنگی و غیر فرهنگی اش باید همه جا بایکوت شوند و از همه مجامع و نهادهای بین المللی و در همه کشورها بیرون انداخته شوند. غرّه های تدارک دیده شده برای جمهوری اسلامی باید برچیده شود و «انتشاراتی» های جمهوری اسلامی از نمایشگاه اخراج شوند. مخالفان جمهوری اسلامی را فرامیخوانیم که در این نمایشگاه حضور بهم رسانند تا هم انتشاراتی های جمهوری اسلامی و وزارت ارشادش و هم مسئولین نمایشگاه بدانند که نمایشگاه کتاب جای جمهوری اسلامی و انتشاراتی هایش نیست. در این نمایشگاه شرکت کنید و علیه حکومت اعدام و سرکوب و سانسور اعتراض کنید. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان اکتبر ۲۰۱۷

از روزهای ۱۱ تا ۱۵ اکتبر امسال نمایشگاه جهانی کتاب در شهر فرانکفورت آلمان شروع به کار خواهد کرد. جمهوری اسلامی هر سال تقلا کرده است در این نمایشگاه شرکت کند. اما هر سال با اعتراض مخالفان رویرو شده و غرّه هایش به محلی از افشاگری علیه آن رویرو شده است. امسال هم جمهوری اسلامی حضور در این نمایشگاه را تدارک دیده است. جای جمهوری اسلامی در نمایشگاه کتاب نیست. این حکومت ضد آزادی بیان و آزادی اندیشه است و کوچکترین انتقاد و مخالفت سیاسی را با زندان و شکنجه پاسخ داده است. هر سال شمار بسیاری از جوانان را به جرم ابراز نظر در مدیای اجتماعی دستگیر و زندانی میکند. هزاران نفر را به جرم مخالفت با حکومت و بجرم داشتن عقاید دیگر زندانی، شکنجه و اعدام کرده است، حکومتی که در همین زمان حاضر صدها فعال سیاسی را در زندان نگه داشته است و تنها در چهار سال اول دولت روحانی بیش از ۲۰۰۰ نفر را اعدام کرده است، جایش در نمایشگاه کتاب نیست. حکومتی که به جرم نوشتن کتاب، فتوای قتل سلمان رشدی را صادر کرده، شاعران و نویسندگان منتقد را زندانی کرده، رسماً وزارتخانه «فرهنگ و ارشاد اسلامی» را برای سانسور کتاب و نشر افکار عقاید سازمان داده است جایش در نمایشگاه کتاب نیست.

هزاران نفر از معلمان و بازنشستگان در سراسر کشور

دست به تجمع زدند

۱۳ مهر تجلی اتحاد و همبستگی مردم بود

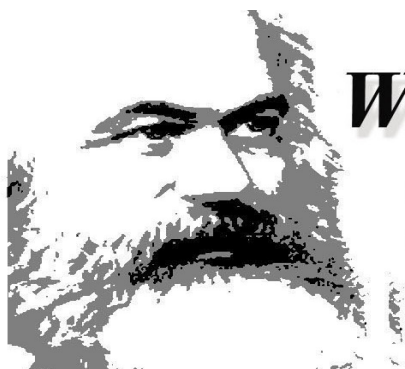
استقبال ۱۳ مهر رفتند، تبلیغات وسیعی سازمان دادند و پوستره های جالب و متعددی که خواست های آنها، اعتراض آنها و همبستگی بخش های مختلف مردم را بیان میکرد، منتشر کردند و فضایی از شور و اتحاد را در میان معلمان و بازنشستگان و بخش های دیگری از مردم ایجاد کردند. تجمعات سراسری امروز بدنبال مبارزات قدرتمند کارگران هپکو و آذراب و سایر اعتراضاتی که در شهرهای مختلف جریان دارد، گام دیگری مبارزات حق طلبانه مردم را علیه فقر و بی حقوقی، علیه امنیتی کردن اعتراضات و علیه آنچه جمهوری اسلامی به سر مردم آورده است جلو برد. جا دارد که صمیمانه دست کلیه حاضرین در تجمعات امروز و بویژه سازماندهندگان این حرکت بزرگ را بفشاریم. در سالهای گذشته نیز معلمان به مناسبت روز جهانی معلم تجمعات اعتراضی برگزار کرده اند اما تظاهرات های بزرگ و سراسری امسال و همبستگی بخش های مختلف مردم با آنها در ۱۳ مهر امسال، این روز بعنوان یک روز مهم اعتراضی در تاریخ مبارزه مردم و تحکیم همبستگی میان بخش های مختلف مردم ثبت شد.

زنده باد همبستگی زنده باد اتحاد حزب کمونیست کارگری ایران ۱۳ مهر ۱۳۹۶، ۵ اکتبر ۲۰۱۷

با حضور جمعی از زندانیان سیاسی مراسمی به مناسبت روز معلم برگزار شد. زندانی سیاسی آزاد باید گردد، بهشتی، عسلی، شهابی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، تحصیل رایگان اعلام باید گردد، معلم میمیرد ذلت نمیپذیرد و تا حق خود نگیریم از پی نمی نشینیم، از جمله شعارهای شرکت کنندگان در این تجمعات بود. بر روی پلاکاردهای متعددی نیز که در دست تظاهرات کنندگان بود خواست های مختلف معلمان و بازنشستگان به چشم میخورد. معلمان زندانی را آزاد کنید، خط فقر ۴ میلیون حقوق ما یک میلیون، معلم کارگر دانشجوی زندانی آزاد باید گردد، جای معلم زندان نیست، تحصیل رایگان، زندگی می خواهیم وعده و بهانه به ما تحویل ندهید، معیشت، منزلت، حق مسلم ماست، و همینطور خواست یکسان سازی حقوق ها که در واقع خواست افزایش دستمزد بود توجه ها را به خود جلب میکرد. در تهران و برخی شهرها قطعنامه هایی در اعتراض به شرایط اسفبار آموزشی در ایران و با تاکید بر خواست های معلمان قرائت کردند. در الیگودرز در قطعنامه ای که توسط یکی از حاضرین قرائت گردید بر خواست تحصیل رایگان برای کلیه کودکان از جمله کودکان مهاجر تاکید شد.

لازم به توضیح است که از چند هفته قبل معلمان و بازنشستگان به

امروز ۱۳ مهر به مناسبت روز معلم، هزاران نفر از معلمان شاغل و بازنشستگان لشگری، کشوری، تامین اجتماعی و وزارت بهداشت تجمعات پرشوری در شهرهای مختلف برپا کردند و بر تحقق خواسته های مهم و فوری خود پافشاری کردند. نقش زنان در این تجمعات بسیار چشمگیر بود. تجمعات پرشور امروز به فراخوان شورای تشکل های صنفی و گروه های مختلف معلمان برگزار شد و بازنشستگان لشگری، کشوری، تامین اجتماعی و وزارت بهداشت نیز وسیعاً در این تجمعات شرکت کردند. در این تجمعات حضور فعالین کارگری، بازنشستگان، دانشجویان و فعالین اجتماعی برجسته بود. در برخی شهرها از جمله اصفهان و شیراز تعدادی از خانواده های دانش آموزان نیز در تجمع شرکت داشتند. در تهران بیش از سه هزار نفر در تجمع در مقابل سازمان برنامه و بودجه شرکت کردند. تعداد کثیری نیز در اصفهان، شیراز، تبریز، یزد، مشهد، اهواز، کرمانشاه، زنجان، سمنان، بجنورد، بوشهر، قزوین، مریوان، سقز، ممسنی، شهر کرد، اردبیل، کوهدشت، اسلام آباد غرب، الیگودرز، دلفان، روشمگان و تعداد دیگری از شهرها نیز در مقابل مراکز آموزش و پرورش گرد آمدند و با شعارها و پلاکاردهای مختلف خواسته های بحق خود را فریاد زدند. همزمان در بند هفت زندان اوین نیز



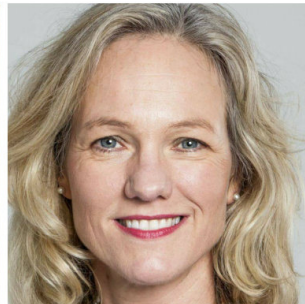
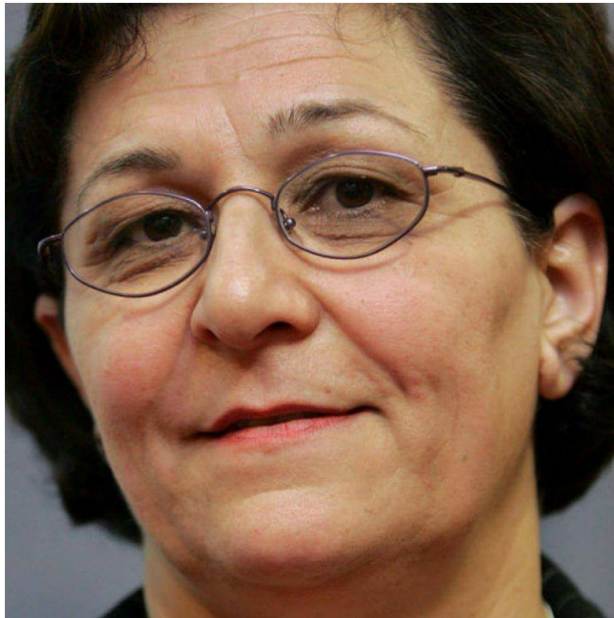
WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org

کنفرانسی به مناسبت ده اکتبر روز جهانی علیه اعدام در شهر کلن در آلمان

اعدام قتل عمد دولتی است و باید در همه جای جهان فوراً ممنوع شود



گرامیداشت یاد ریحانه جباری که در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۴ در ایران اعدام شد.

سخنرانان!

زینا فوگت نویسنده و فعال علیه اعدام که فعالیت‌هایش بر علیه اعدام در آمریکا او را به چهره سرشناس مبارزه علیه اعدام تبدیل کرد.

فلورین چفایی فعال علیه اعدام، از مسئولین سایت هومانیتسها در آلمان و چهره مبارزه با اعدام در دنیا مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام و فعال سرشناس مبارزه علیه اعدام در ایران با دعوت از سازمان عفو بین الملل

محل و زمان:

کلن. روز شنبه ۱۴ اکتبر ساعت ۱۶.۰۰

Jugendherberge Köln
-Riehl
An der Schanz 14,
50735 Köln

کمیته بین المللی علیه اعدام
۴ اکتبر ۲۰۱۷

حکومت‌های دیکتاتور و ضد انسان به نام دفاع از امنیت و یا مقابله با جنایت در جامعه، روزانه دست به قتل عمد مخالفین و منتقدین و یا متهمین زده و با این جنایات عملاً در مقابل جامعه اعلام میکنند که زندگی و یا مرگ همه در دستان آنها است، و در مقابل جرائم و جنایات هم برنامه پیشگیرانه و یا منطبق با موازین انسانی ندارند، بلکه با قتل افراد عملاً صورت مسئله را حذف و از زیر باروظایف خود شانه خالی میکنند. این یک سیستم وحشیانه ایجاد وحشت در جامعه و یادآوری کردن، بی حقوقی مطلق مردم در این نوع جوامع است! مبارزه علیه اعدام یک جنبش جهانی است که هدف آن ممنوعیت قتل عمد انسانها به دست دولتها در همه جای جهان است. در شهر کلن در آلمان به دعوت کمیته بین المللی علیه اعدام امسال کنفرانسی برگزار میشود، علیه اعدام در دنیا و در ایران و برای نجات جان سهیل عربی و بلاگ نویس منتقد مذهب و اسلام و در

آدرس صفحه فیسبوک حزب:

<https://www.facebook.com/wpiran/>

انترناسیونال

نشریه حزب
کمونست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان
مسئول فنی: سهند مطلق

ایمیل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



امروز ۱۴ مهر جمع زیادی از یاران محمد جراحی در مراسم خاکسپاری او در تبریز حضور یافتند تا به این فعال خستگی ناپذیر جنبش کارگری و مبارز راه آزادی و انسانیت ادای احترام کنند. سرود انترناسیونال خواندند و با صحبت های کوتاهی یادش را گرامی داشتند.